



دستیابی به جامعه‌شناسی دینی با نقد آراء جامعه‌شناسان غربی در باب دین

نگاه برون‌دینی در بررسی‌های جامعه‌شناختی در باب دین، لزوماً به آنچه غربیان در این زمینه گفته‌اند، منجر نخواهد شد، اما جریان نقد آراء جامعه‌شناسان غربی در باب دین، از منظری درون‌دینی، نهایتاً به يك جامعه‌شناسی دینی راه خواهد برد.

نگاه برون‌دینی در بررسی‌های جامعه‌شناختی در باب دین، لزوماً به آنچه غربیان در این زمینه گفته‌اند، منجر نخواهد شد، اما جریان نقد آراء جامعه‌شناسان غربی در باب دین، از منظری درون‌دینی، نهایتاً به يك جامعه‌شناسی دینی راه خواهد برد.

قاسم اخوان‌نبوی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به ریشه‌های رویکرد علمی به دین، گفت: در عصر روشنگری که از قرن 18 میلادی در اروپا شکل گرفت، روش تجربی با توجه به پیشرفت‌هایی که در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی پدید آمد، تنها روش معتبر تلقی شد و متفکران غربی، دین را نیز ذیل فرهنگ و تمدن، یکی از جنبه‌های زندگی بشری دانستند و بر آن شدند که با توجه به اینکه همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را به مطالعه علمی تجربی سپرده بودند، با دین نیز از همین رویکرد علمی مواجه شوند.

اخوان‌نبوی با اشاره به جامعه‌شناسی دین، به عنوان یکی از رشته‌هایی که در همین چارچوب به مطالعه تجربی آموزه‌ها، باورها، مفاهیم و مناسک دینی و آداب و رسوم و رفتارهای دینداران می‌پردازد، بیان کرد: در جامعه‌شناسی غربی سه پارادایم عمده اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی وجود دارد؛ که از مهم‌ترین اشخاص در پارادایم اثبات‌گرایی می‌توان به کنت، دورکیم و مارکس اشاره کرد. در میان تفسیرگرایان نیز وبر، واخ، استارک و گیدنز از بقیه برجسته‌ترند و در پارادایم انتقادی نیز افرادی مانند هورکهایمر و ماکوزه؛ اما فردی که در این پارادایم، نظریات قابل توجه‌تری درباره دین دارد، هابرماس است.

وی با اشاره به رویکرد کارکردگرایانه همگی این متفکران در بررسی دین، گفت: رویکرد کارکردگرایی رویکردی است که ابتدا در علوم طبیعی به وجود آمد و سپس وارد علوم انسانی شد. براساس این رویکرد، گفته می‌شود که اگر بخواهیم ماهیت يك امر را تعیین کنیم، باید ببینیم که این امر در كل يك سیستم چه نوع کارکردی دارد. به عنوان مثال، اگر ما بخواهیم ماهیتی برای دین مطرح کنیم، باید ببینیم که در منظومه اندیشه و زندگی انسان، دین چه نقش و کارکردی ایفا می‌کند.

جامعه‌شناسان غربی با کنار گذاشتن بحث از حقانیت و قدسیت دین، ناچار دین را به یکی از ابعاد آن فرومی‌کاهند، چرا که نگاه کارکردی آنان به دین از رصد همه ابعاد دین ناتوان است و هر چند ما نیز می‌پذیریم که کارکردهای دین ابعادی از دین هستند اما معتقدیم که این کارکردها همه دین نیستند.

عضو گروه کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه در این صورت دین به عنوان يك امر ما فوق طبیعی با منشأ الهی مطرح نخواهد بود، اظهار کرد: وقتی دین ذیل فرهنگ و تمدن و در کنار علم و هنر و ... قرار می‌گیرد، صرفاً در رابطه با کارکرد و نقش آن بحث و بررسی صورت می‌گیرد. در اینجا عموماً این مسئله را مطرح می‌کنند که با توجه به این که علم، پیشرفت‌های زیادی را به دست آورده و توانسته بسیاری از مجهولات را برطرف و علت بسیاری از پدیده‌ها را کشف کند، آموزه‌های دینی چه نقشی می‌توانند در کنار علم، در زندگی بشر داشته باشند.

اخوان‌نبوی با اشاره به اینکه جامعه‌شناسان در ارائه پاسخ به این پرسش، عموماً دچار خطا و مغالطه می‌شوند، عنوان کرد: تحویل‌گرایی، نسبی‌گرایی، مغالطه انگیزه و انگیخته، مغالطه کنه و وجه و مغالطه ذاتی و عرضی از جمله مغالطاتی است که می‌توان در تبیین جامعه‌شناسان از آرائشان دید و برای مثال بر اساس تحویل‌گرایی به عنوان عمده‌ترین آسیب این دیدگاه‌ها، که همبسته رویکرد کارکردی جامعه‌شناسان است، دین را یا به اخلاق و یا به تجربه دینی تحویل می‌برند.

وی با تأکید بر این مطلب که نمی‌توان دین را به یکی از ابعاد آن تقلیل داد، خاطرنشان کرد: جامعه‌شناسان به دنبال جایگاهی در کنار علم و دیگر پدیده‌های بشری برای دین هستند و از همین روی برخی از آن‌ها می‌گویند که آموزه‌های دینی همان دستورالعمل‌های اخلاقی هستند که برای بهتر زندگی کردن در دنیا بیان شده‌اند و برخی دیگر با تکیه بر جنبه‌های روانشناختی، آن را به حالات روانی افراد دیندار تقلیل داده و در بررسی جامعه‌شناختی آن، احساسات مشترک دینداران را مورد توجه قرار می‌دهند و تأثیرات اجتماعی این احساسات را بررسی می‌کنند.

در يك جامعه‌شناسی دینی به دليل مقبولیت دین، از تأثیر متقابل دین و اجتماع سخن گفته می‌شود و از این جهت با آن چه تاکنون جامعه‌شناسان در باب دین گفته‌اند متفاوت خواهد بود

عضو گروه کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: جامعه‌شناسان غربی با کنار گذاشتن بحث حقانیت و قدسیت دین، ناچار دین را به یکی از ابعاد آن فرومی‌کاهند، چرا که نگاه کارکردی آنان به دین از رصد همه ابعاد دین ناتوان است و هر چند ما نیز می‌پذیریم که کارکردهای دین ابعادی از دین هستند، اما معتقدیم که این کارکردها همه دین نیستند.

اخوان‌نبوی با بیان این که در واقع جامعه‌شناسان دین، رویکردی برون‌دینی به دین دارند، عنوان کرد: لزوماً نگاه برون‌دینی به دین، به آنچه غربیان در این باب گفته‌اند، منجر نخواهد شد و می‌توان با بررسی استدلال‌های آنان به نقد مواضع و دیدگاه‌های آنان پرداخت، اما اگر يك متفکر دینی، به بررسی مسائل اجتماعی بپردازد، نظریات حاصل، چیزی خواهد بود که به آن جامعه‌شناسی دینی می‌گوییم.

وی با بیان اینکه جریان نقد آراء جامعه‌شناسان غربی در باب دین و از منظری درون‌دینی، نهایتاً به يك جامعه‌شناسی دینی راه خواهد برد، اضافه کرد: چنین جامعه‌شناسی‌ای می‌تواند رهیافت خود را از آراء متفکران مسلمانی همچون علامه طباطبایی یا شهید مطهری اخذ کند که در عین حالی که کارکردهایی برای دین برشمرده‌اند و از منظر کارکردی نیز به دین توجه کرده‌اند، اما به دليل اینکه اساس روی آوردن انسان به دین را فطرت انسانی می‌دانند، به کنار گذاشتن قدسیت دین و سکولاریسم منجر نخواهد شد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: در واقع در چنین رویکردی، با وجود این که تأثیرپذیری دین از شرایط اجتماعی پذیرفته می‌شود و برخی از مقولات دینی براساس مؤلفه‌های اجتماعی تعریف می‌شود، اما حقانیت دین نیز به جد گرفته شده و برای آن منشأیت اثری قائل می‌شویم که به واسطه آن، شرایط اجتماعی می‌تواند تغییر یابد. بنابراین در يك جامعه‌شناسی دینی به دليل مقبولیت دین، از تأثیر متقابل دین و اجتماع سخن گفته می‌شود و از این جهت با آنچه تاکنون جامعه‌شناسان در باب دین گفته‌اند، متفاوت خواهد بود.